

مقدمه

به راستی چه دشوار است از علی علیه السلام گفتن و نوشتن. این دغدغه که از کجا و چگونه باید گفت تا حق مطلب ادا شود همواره وجود دارد. رفتار انسانهایی چون او را که محصور در زمان خود نیستند چگونه می توان توضیح داد؟ کدام روابط اجتماعی و سیاسی را می توان از علل تحرکات و اقدامات آنها بر شمرد؟ آنها که خود فرهنگ ساز و آینده نگر بودند، از بانیان «تحول» هستند و این تحول برای عبور از زمانه شان است و لذا باید پرسید به کار بردن مفهوم «زمانه» برای چنین انسانهایی چه معنایی می تواند داشته باشد؟ آنها که محدود و محصور در زمانه خود نبوده اند پس منظور از این عبارت چیست؟ مفاهیمی چون زمانه، عصر و دوران، کلیتی فراگیر را مد نظر دارند که شامل سلوک و نحوه زیست اجتماعی آدمیان در آن دوره می باشد و بنا به دلایل مختلفی به صورت غالب و اکثریت در آمده است.

از این منظر زمان امام علی علیه السلام را می توان وضعیت موجود (وضعیت غالب) در حیات دنیوی ایشان دانست که وی برای تغییر آن گام برداشت و خواستار «تحولات اساسی» در آن بود، اما به یک اعتبار نیز زمانه امام علی علیه السلام در بردارنده همه ازمنه تاریخ می شود زیرا تحولاتی که وی و به طور کلی معصومین علیهم السلام به دنبال آنها بودند دغدغه و سؤالات همیشگی بشر بوده و هست و خواهد بود و لذا

تحمیل بر اوضاع
دوران

تطبیق آن
دوران

دکتر محمد رحیم عیوضی

فریادهای اصلاح طلبانه آنان - حداقل به عنوان یک گزینه - رهنمای همیشگی کسانی است که خواستار ایجاد تحولات اساسی در جامعه خویش هستند. تحولات اساسی بشر هیچگاه از صفحه ذهن او پاک نشده‌اند و هر انسانی در مدت زمان حیات خود به طور فطری خواهان پاسخ دهی به این سؤالات بنیادی است.

سختی توضیح عملکرد چنین افرادی از آن روست که پذیرای روشهای حاکم نیستند و ادعای احیاء و نوجویی دارند. احیاء، تنها هدف ایشان و در واقع همان تحولات مطلوبشان است. امام علی علیه السلام پرورده رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعد از گذشت دو دهه و چندی از فوت ایشان و گزینش «حضور خاموش» در جامعه پس از قتل عثمان در اثر اصرار عموم مردم به عنوان رهبر جامعه اسلامی انتخاب شد. ایشان حکیمانه و صبورانه فراز و نشیبهای جامعه اسلامی را در نظر داشت و به جهت آشنایی و انس عمیق با دین اسلام در اندیشه بقای آن بود. آرمانها و اهدافی که بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر آنها استوار بود به بوته فراموشی سپرده شده و لذا مهمترین دغدغه امام علی علیه السلام بیداری و برپا نمودن خیمه متزلزل شده دستاوردهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. گسترانیدن مجدد اوامر و نواهی قرآن بر سراسر حیات اجتماعی مسلمانان به معنای احیاء سنت پیامبر بود و چه سخت است آشنا نمودن و رایج ساختن خلق

و خوی آزادیخواهانه و انتخابگر، کرامت خواه و عدالت طلب، چه تلخ است پذیرش انزوای سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله.

همان سنتی که از اولین لحظات پس از فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به انحاء مختلف با مخالفتها و دشمنیها مواجه شده بود. از همین رواز اولین اقدامات امام علی علیه السلام همانا خارج کردن قصاصون از مساجد و منع سخنرانی آنها بود. افرادی که در خلال موعظه گویی برای مردم اقدام به جعل حدیث و بیان آن می‌کردند و حرمتی برای حدیث قائل نبودند.

زمانه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله (وضعیت موجود، تحولات مطلوب)

تحولاتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواستار آن بودند همان اهدافی را تعقیب می‌نمود که به عنوان اهداف بعثت به شمار می‌روند. این اهداف از یک سو مشتمل بر اصول و قوانینی کلی و فرازمانی - مکانی بوده و از سوی دیگر در بردارنده رفتارهای متناسب با همان روزگار می‌باشد. دلایل مختلفی به عنوان اهداف بعثت انبیا ذکر شده که برخی از آنها عبارتند از:

دعوت به توحید و معاد، تلاش برای برپایی قسط و عدل (عدالت اجتماعی)، تعلیم کتاب و حکمت.

هدف از همه این اقدامات جلب توجه و تذکر آدمی به شأن حقیقی اش و هدایت وی به قرار گرفتن در مسیر تعالی است. درک

هستی به عنوان مجموعه‌ای از جلوه‌های الهی و شناخت جایگاه خویشتن در آن و نهایتاً ورود در مسیر عبودیت حق تعالی.

آنچه که در زمانه پیامبر مکرم اسلام وجود داشت و اقدامات ایشان در جهت «اصلاح» آنان بود در فرهنگ قرآنی به نام «جاهلیت» مرسوم است. در قرآن، جاهلیت در موارد متعددی استعمال شده و منظور از آن هر عمل و رفتاری است که مغایر با اصول و معیارهای قرآنی باشد. در کتابهای لغت نیز در مورد جاهلیت آمده است: مردمی که نسبت به خدا و پیامبر و شرایع آسمانی جاهل بوده، تفاخر به آباء و اجداد نموده و باکبر و غرور زندگی می‌کرده‌اند، مردم جاهلی خوانده می‌شدند.

رسول جعفریان در جمع‌بندی که از مفهوم جاهلیت به دست داده، می‌نویسد: هر عمل خلاف و نادرست، چه نتیجه جهل باشد چه حاصل عدم حاکمیت عقل بر قوای انسانی، به آن عمل جاهلی گفته می‌شود که در فارسی عوامانه کلمه «نفهمی» در برابر آن است؛ یعنی اگر علم نداشته باشد و عملی را انجام دهد، این کلمه بر او صدق می‌کند، همانطور که اگر بداند ولی نتواند خود را کنترل کند باز این کلمه بر او صدق می‌کند.^(۱)

روش و منش جاهلی ثمره صفات نکوهیده‌ای است. عبدالرحمن بن خلدون صفات مذموم متعددی را در کتاب العبر برای اعراب بر می‌شمرد که جملگی در قوام رفتار جاهلی (رفتار مغایر با اصول قرآنی) بسیار

مؤثرند. این صفات عبارتند از: ریاست‌طلبی، تبه‌کاری، تجاوز، وحشیگری، درشت‌خویی، گردن‌فرازی، فزون‌جویی، رقابت و هم‌چشمی، تکبر و خوبیهای نکوهیده دیگر.^(۲)

وی آنها را چنین توصیف می‌کند:

این قوم بر حسب طبیعت وحشیگری که دارند به غارتگری و خرابکاری عادت گرفته‌اند... عادات و موجبات وحشیگری چنان در میان آنان استوار است که همچون خوی و سرشت ایشان شده است و این خوی برای ایشان لذت‌بخش است زیرا در پرتو آن از قیود فرمانبری حکام و قوانین سرباز می‌زنند و نسبت به سیاست‌کشورداری نافرمانی می‌کنند و پیداست که چنین خوی و سرشتی با عمران و تمدن منافات دارد.^(۳)

به این ترتیب روشن می‌شود که تفرق، تعصب، جهل و ناآگاهی و بی‌اخلاقی در جای جای زندگی فردی و اجتماعی آن زمان رسوخ یافته بوده و اینها دقیقاً مواردی هستند که پیامبر ﷺ در جهت ایجاد تحولات ریشه‌ای در آنان مبعوث می‌شوند.

پیامبر اکرم ﷺ با تأسیس حکومت، معرفی توحید و دعوت به آن، بیان و تذکر آخرت و معاد، معرفی قانونمندی و غایت‌مندی هستی و جایگاه انسان در آن کوشیدند تا اخوت و برادری را جایگزین تفرق و تعصب و علم‌طلبی و دانش‌جویی را پادزهر جهل و ناآگاهی معرفی کرده و عمل به اخلاق حسنه را به جای بی‌اخلاقی موجود

قرار دهند. این اقدامات برای اتمام حجت با انسانها صورت می‌گیرد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

رسلا مبشرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل و كان الله عزيزا حكيما. (۴)

پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا

پس از آمدن انبیاء حتی برای مردم بر خدا باقی نماند و خداوند توانا و حکیم است.

به صورت خلاصه وضعیت موجود و

تحولات (اصلاحات) مد نظر پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به صورت زیر می‌توان نشان

داد:

وضعیت موجود	تحول ایجاد شده	اقدام صورت گرفته
تفرق سیاسی در قالب قبیله گرایی از هم گسیختگی فکری و ناهنجاری اخلاقی و فرهنگی	تجمع سیاسی با تأکید بر امت واحده توحیدگرایی و پرورش انسانهای ایمانی	تأسیس حکومت معرفی توحید و دعوت به آن
ربی اخلاقی	رعایت اصول اخلاقی	معرفی و تشویق به حاکم کردن قوه تعقل و اراده انسانی بر اعمال و رفتارهای انسان با بیان و تذکر معاد (یوم الحساب) به علاوه عملگرایی شخص پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و تعیین مجازاتها و حدود مشخص دنیوی برای حرمت شکنان
جهل و ناآگاهی	توجه به علم و اطلاع و دانش	معرفی قانونمندی و غایتمندی هستی و جایگاه و نقش انسان در آن

مطلبی که در پایان این قسمت نیاز به توضیح بیشتری دارد اقدام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تأسیس حکومت است. ایشان دو هدف را توأمان در نظر داشتند:

۱- تنظیم و بسامان کردن امور اجتماعی و بر پا نمودن «نظم» در جامعه

۲- لحاظ نمودن عنصر «هدایت» در اداره امور جامعه

لذاست که در اسلام مراد از حکومت، تدبیر و هدایت جامعه در راستای اهداف

اسلامی می‌باشد؛ یعنی حکومت مبتنی بر دین، استقرار سلطه و اعمال قدرت در جامعه در راستای اهداف دین در آیات قرآن گوشزد شده و عمدتاً در قالب نیاز به اجرای عدالت مطرح گردیده است.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط... (۵)

به راستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو فرود آوردیم «تا مردم

به انصاف برخیزند».

در ترجمه علامه طباطبایی به این صورت آمده است:

«تا مردم را به عدالت خوی دهند».

یعنی افراد بر اساس اصول انسانی پرورش یابند به نحوی که خود به اجرای انصاف و عدالت بپاخیزند و خویشان، عدالت‌طلبی را بپذیرد. بد نیست در اینجا اشاره‌ای به دعای شهید مصطفی چمران که پرورده مکتب امام حسین علیه السلام و نمونه عزت‌طلبی مد نظر انقلاب اسلامی بوده، داشته باشیم:

خدایا به ما توفیق ده تا شایسته این رسالت بزرگ - به پیروزی نهایی رساندن انقلاب اسلامی - باشیم و علی‌وار در معرکه‌های مرگ و زندگی شرکت کنیم و حسین صفت، مرگ شرافتمندانه را به زندگی ننگین ترجیح دهیم. ^(۶) آن قدر به ما عزت ده تا در برابر هیچ طاغوتی به زمین نیافتیم. ^(۷)

ایشان در جای دیگری دعایی به این مضمون دارد که:

خدایا مرا توفیق ده تا عدل علی را بپذیرا باشم، چرا که بسیار سخت است که کسی بتواند با عدل علی زندگی کند. ^(۸)

در واقع پذیرش عدل و تمکین در برابر الگو و جریان عدالت مانند حکومت امام علی علیه السلام، هدف همان عنصر «هدایت» در جامعه اسلامی است. پیش فرضهای «هدایت» قبول وجود راه صواب و خطا و غایت و مقصد برای زندگی است که برای دستیابی به آن بی‌گمان نیازمند برنامه‌ریزی

هستیم. حال اگر پیرسیم «هدایت» چگونه در جامعه جریان می‌یابد؟ باید گفت از طریق امر به معروف و نهی از منکر در معنای کلان و فراگیر آن.

قرآن در سوره اعراف می‌فرماید:

قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا الذی له... ^(۹)

بگو: ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم... پس به خدا و فرستاده او - که پیامبری امی است و به خدا و کلمات او ایمان دارد - بگروید و او را پیروی کنید، امید که «هدایت» شوید.

این تبعیت تنها در اثر آگاهی میسر می‌شود. این آگاهی زمینه‌ساز انتخابی صحیح، آزادانه و آگاهانه است چرا که خداوند به اجبار هدایت نمی‌کند.

خداوند در قرآن می‌فرماید:
و لو شئنا لاتینا کل نفس هدیها ^(۱۰)

اگر می‌خواستیم به هر انسانی (از روی اجبار) هدایتش می‌دادیم.

در سوره احزاب آیه ۴۶ خطاب به پیامبر آمده است:

و داعیاً الی الله یاذنه و سراجاً منیراً

و قرارت دادیم که دعوت کننده به اذن خدا و چراغی نوربخش باشی.

در تفسیر المیزان در ذیل آیه نوشته شده که دعوت آن جناب به سوی خدا همان دعوت مردم است به سوی ایمان به خدای یگانه... و «سراج منیر» بودنش به این است که، آن جناب را طوری قرار داد که مردم به

وسيله او به سعادت خود و به راه نجاتشان از
ظلمتهای شقاوت و گمراهی «هدایت»
شوند. (۱۱)

با قبول مخلوق بودن هستی و تبعیت آن از
قوانین الهی پر واضح است که حکومت



اسلامی دایر مدار همان قوانین و متوجه
غایت هستی خواهد بود. در اندیشه اسلامی
این وسیله (حکومت) برای دستیابی به آن
هدف (غایت آفرینش انسان) طراحی
می‌گردد.

آیه‌الله جوادی آملی در بیان اهداف
حکومت اسلامی در کتاب ولایت فقیه
آورده‌اند:

سلسله انبیاء ابراهیمی (علیهم‌السلام) که سالیان
متمادی، حکومت اسلامی را عهده‌دار بوده‌اند...
خطوط کلی امامت و رهبری و اصول مهم سیاست
و حکومت را از بنیانگذار کعبه و معمار مطاف، و
مهندس قبله جهانی به ارث برده‌اند... عصاره
دعاهای آن حضرت در این زمینه، همان دو هدف
مهم حکومت اسلامی یعنی خلیفه الله شدن انسان
صالح سالک کوی کمال و تأسیس مدینه فاضله
است. با توجه به این نکته روشن می‌شود که سامان
یافتن مدینه فاضله، در پرتو تعالی انسانهایی است
که مقام منبع خلافت الهی بپهوه آنان شده
باشد. (۱۲)

بنابراین عمده‌ترین هدف حکومت در
اسلام که مهمترین دستاورد بعثت پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد تذکر به تلفیق «هدایت به
سوی حق» - از طریق امر به معروف و نهی از
منکر - با امر مدیریت و اداره جامعه و بستر
قرار دادن حیات دنیوی برای ثمرچینی در
حیات اخروی است. به عبارت دیگر ایجاد
اصلاحات اساسی در رفتار فردی و زندگی
جمعی در قالب استقرار حکومت اسلامی از
طریق در هم آمیختن وجه متعالی آدمی با
وجه حیوانی او یعنی ترسیم و آموزش زندگی
اجتماعی‌ای که ضمن بهره‌وری از نعمات
دنیوی و تنظیم امورات آن بتواند در یک
جهت‌گیری الهی مسیر دشوار انسان شدن را

طی نماید. این همان هدفی است که همه پیام آوران الهی تحولات را در راستای آن می خواسته اند و امام حسین علیه السلام نیز با همین انگیزه قیام خود را صورت و سامان بخشید.

کار قرآن نو سازی است، نو سازی جوهره انسانی که همان ضمیر و فطرت او می باشد و آنها که فطرت الهی و جوهره وجودی خود را با هواها و غرورها فاسد کرده اند دیگر قابل نو سازی نیستند. این نو سازی به وسیله تذکر و تزکیه است. تذکر، عقل و وجدان را بیدار می کند. تزکیه، از آثار محیط پست و رذائل و تقلید و مواد رسوبی آنها پاک می نماید و بالا می رود. این نو سازی از تعلیم و تلقین و تحمیل مفاهیم و مطالب نامأنوس و خارج از درک وجدانی و از روشهای تربیت اخلاقی معمول بر نمی آید و چه بسا اینها جهل مرکب و غرور را می افزاید. از نو سازی تذکر و تزکیه سرچشمه های معارف و خیر خود به خود می جوشد، و چنین افراد نو ساخته اند که می توانند پایه محکم اجتماع سالم و عادل شوند. (۱۳)

آیات قرآن نیز تصدیق و بیان می دارند که فقط عقل مداران متذکر می شوند. از اینجا روشن می شود که «هدایت» امته در گرو اصلاح شدن آنها به دست متذکران است. به عبارت دیگر با جلوه بخشیدن به دستورات قرآنی و نیز طرد منکرات آن (امر به معروف و نهی از منکر) تشویقها و تنبیه های رسمی و غیر رسمی حول این تقسیم بندی شکل

می گیرند و لذا زمینه های انحراف محدود و بسترهای اصلاح، فراهم می آیند.

اقدامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پیگیری اهداف بعثت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو اقدام عمده در جهت تثبیت دین اسلام و روحیه دینی در جامعه که حکومت مبتنی بر دین را میسر می سازند، انجام دادند:

۱- برای تداوم صحیح تحولاتی که آغاز کرده بودند با تعیین جانشینی مناسب برای مقام امامت، وضعیت هدایت به جامعه پس از خود را روشن نمودند. امر به معروف و نهی از منکر بر اساس آگاهی، توانایی و شجاعت صورت می گیرد و فقدان هر یک از این صفات باعث می شود پویایی، گستردگی و عمق بینش ملازم با امر به معروف و نهی از منکر در جامعه به وجود نیاید. نتیجه این امر آن است که در طی گذر زمان تعادل اجتماعی جای خود را به بی تفاوتی ها و افراط و تفریطها بدهد. وجود امام هادی مانع از چنین انحرافی در جامعه اسلامی خواهد شد.

۲- آموزش تفسیری قرآن کریم: می دانیم که اقدامات مثبت هر چند مفید و خیر خواهانه هم که باشد باید پذیرش اجتماعی داشته باشد تا بتوانند به صورت رفتار عادی (نهاده شده) مردم در آیند. وقتی قرار است جامعه سازی بر اساس اصول قرآنی شکل بگیرد می بایستی محتوای قرآن به صورت معارفی

عام در دسترس عموم قرار گیرد، چرا که مخاطب آن همه مردم هستند و نه صرفاً اقشاری خاص. ترویج اصول، قوانین و شئون اسلامی در جامعه تنها در صورتی می‌تواند در جامعه ریشه بدواند که به صورتی عمیق یعنی به صورت تفسیری به مخاطبان عرضه شود تا عمق آن را - هر کس در حد فهم خود - دریابد. چنین جامعه‌ای معروف و منکرش، قرآنی است و خواهد توانست از حالت جاهلیت به سمت وضعیت مطلوب قرآنی گام بردارد. حکومت اسلامی تنها در جامعه‌ای که معارف قرآنی در آن رواج دارد میتواند استقرار یافته و عدالت را اجرا نماید. اجرای فرامین اسلام نیازمند بستر مساعدی است که ترویج و تبلیغ عملگرایانه اصول قرآنی به خوبی زمینه آن را فراهم آورد.

مقایسه تطبیقی دو زمانه

به این ترتیب زمانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شاهد یک سیر صعودی آموزش جامعه بر اساس اصول قرآن، تربیت افراد توانا در استفاده صحیح از قدرت و نهایتاً تعیین جانشین مناسب برای تعقیب جدی «هدایت» در جامعه امام علی علیه السلام بود. این تحولات مخالفان سرسختی داشت که تا زمان فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا حد زیادی از نفوذشان کاسته شده بود و از صحنه قدرت و سیاست کنار رفته بودند. اما متأسفانه پس از رحلت پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله دو اقدام اساسی ایشان یعنی تعیین امامت و هنجارسازی قرآنی در جامعه پیگیری و اجرا نشدند و اتفاقاً هر دو مورد کنار گذاشته شدند و نتیجه آن به مرور عاشورا را با آن تلخ‌ها به وجود آورد. دستیابی به رسالتی که پیامبر مأمور انجام آن بود موجب تحول اساسی در جامعه آن دوران گردید، تحولی که به طور ریشه‌ای الگوی بشریت قرار گیرد. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف از ایجاد «تحول» تغییر ریشه‌ای در فرهنگ غالب - فرهنگ جاهلی - بود و می‌دانیم که در هر تحول نیز فضای غبارآلود و جو ناامنی به نام فتنه به وجود می‌آید و بسته به توانایی فکری افراد و هدایتی که رهبری امت انجام می‌دهد می‌تواند مفید و سازنده باشد و یا مضر و خسارت‌بار. امام علی علیه السلام نیز به دنبال ایجاد تحولات اساسی در فرهنگ حاکم بر جامعه بود، اما بستر اجتماعی در زمانه وی با زمانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفاوت داشت؛ به این توضیح که: در زمانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تدریج در صف اسلام و مخالفان آن در مقابل یکدیگر با نشانه‌هایی مشخص شکل می‌گرفتند و تمیز آنها از یکدیگر چندان مشکل نبود، اما در زمانه امام علی علیه السلام، فرهنگ نیمه جان جاهلیت که تا زمان رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رو به افول بود، مجدداً بنا به دلایلی که قبلاً گفته شد، از حالت اقلیت به صورت اکثریت حاکم درآمد ضمن آنکه توانسته بود در صورت‌های جدیدی ظاهر شود

که قبلاً بی سابقه و یا کم سابقه بود، لذا تفکیک مخالفان و موافقان اسلام به شدت دشوار گردید تا آنجا که عده‌ای راه بی تفاوتی و بی‌اعتنایی به مسایل را در پیش گرفتند و از سوی دیگر برخی به جهت تعصب زیاد و تکبر، خود را دانا و پارسای مطلق تصور نموده، در تحلیل مسایل راه افراط پیمودند. در این اوضاع طمع‌کاران همیشگی قدرت، متناسب با وضعیت موجود به بهره‌برداری از «جهل» و «تعصب» برای مقابله با امام علی علیه السلام و دستیابی به حکومت، فعال شدند.

به این ترتیب وجه اشتراک زمانه این دو بزرگوار همانا نیاز به ایجاد تحولات اساسی در فرهنگ حاکم بر جامعه و اقدام به آن بود و وجه افتراق آنها گونه‌گونگی عقاید در زمانه امام علی علیه السلام می‌باشد. این مسأله کار احیاء سنت پیامبر را با دشواریهای فراوان روبرو می‌ساخت؛ چرا که قوت فکری جامعه در کشاکش جهل‌ها و تعصبات زایل شده و هدایت‌های رهبری می‌بایستی صرفاً با تنبیه و تهدید و اعمال زور پیاده شود که نتیجه آن، فراهم نشدن زمینه برای برقراری ثبات جهت نهادینه کردن اصول قرآنی در جامعه بوده و چنین روندی را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشتر بیان فرموده بودند. در خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده‌اند: (۱۴)

ای علی! پس از من، مردم به مالهای خود فریفته شوند و به دین خویش بر خدا منت نهند. رحمت پروردگار آرزو کنند و از سطوت او ایمن نزنند. حرام

خدا را حلال شمارند و با هوسهایی که به غفلت سر دارند، می‌را نیبذ گویند و حلال پندارند. حرام را هدیت خوانند و ربا را معاملت دانند.

وضعیت امام علی علیه السلام در آغاز رهبری (وضعیت موجود)

شاید هیچ توضیحی نتواند به اندازه گفته‌های فاعل تحولات یعنی امام علی علیه السلام گویا باشد. آنچه که او از جامعه اسلامی و در آن می‌دید و درک می‌کرد و قوای خود را برای اصلاح آنها تجهیز می‌نمود، بهترین پاسخ برای ترسیم وضعیتی است که وی به مقابله با آن برخاست. لذا به صورت بسیار فشرده و کلی مطالب را به صورتی که ما را به کربلا برساند، بیان می‌کنیم و از بررسی جزئی حوادث صرف نظر می‌کنیم.

امام علی علیه السلام سابقه‌ای درخشان در آشنایی و عمل به قرآن داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ایشان گفته بودند: اعلم امتی بالسنة و القضاة علی بن ابی طالب (۱۵)

داناترین امت من به سنتهای اسلامی و قوانین قضایی، علی بن ابی طالب است.

به این ترتیب غربت سنت مترادف با غربت امام علی علیه السلام بود. ایشان به جهت ظاهری غربت بود، زیرا بیست و پنج سال گوشه‌نشین شده بود و به جهت باطنی و واقعی نیز غربت مانده بود چرا که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز به روز مؤلفه‌های

فرهنگ جاهلی تقویت شده بودند.

زندگی امام در انزوای مدینه، سبب شد تا آن حضرت ناشناخته باقی بماند: زمان به سرعت می‌گذشت و امام تنها در مدینه، آن هم در میان چهره‌های قدیمی صحابه، چهره‌ای آشنا بود. اما در عراق و شام کسی امام را نمی‌شناخت. تنها برخی از قبایل یمنی که از زمان سفر چند ماهه امام به یمن آن حضرت را دیده بودند، با وی آشنایی داشتند. (۱۶)

تحلیل امام از تحولات پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ایشان در خطبه‌ای که بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خوانده است در مورد بازگشت و استقرار خصایص دوران جاهلیت هشدار می‌دهند که:

مردم از گردابهای بلا با کشتیهای نجات برون شوید! و به تبار خویش منازید، و از راه بزرگی فروختن به یک سو روید! که هر که با یآوری برخاست روی رستگاری بیند و گرنه گردن نهد و آسوده نشیند که - خلافت بدینسان همچون - آبی بدمزه و نادلپذیر است و لقمه‌ای گلوگیر. (خطبه پنجم)

در خطبه هفتم می‌گویند:

شیطان را پشتوانه خود گرفتند و او از آنان دامها یافت، در سینه‌هاشان جای گرفت و در کنارشان پرورش یافت. پس آنچه می‌دیدند شیطان بدیشان می‌نمود، و آنچه می‌گفتند سخن او بود. به راه

خطاشان برد و زشت را در دیده آنان آراست، شریک او شدند و کردند و گفتند آنچه‌آنکه او خواست.

امام علی علیه السلام در خطبه سی و یکم در مورد روش خلیفه سوم که از یک نگاه می‌توان آن را اوج انحرافات دانست که از سقیفه آغاز شده بود، می‌گویند:

بی‌مشورت دیگران به کار پرداخت، و کارها را تباه ساخت، شما با او به سر نبردید و کار را از اندازه به در بردید. خدا را حکمی است که دگرگونی بپذیرد و دامن خودخواه ناشکیبا را بگیرد.

وضعیت موجود از نگاه امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام با تأکید بر عام بودن فتنه‌ها و تلقی آنها به عنوان میدانهای آزمایش الهی می‌فرمایند:

بدانید - که روزگار - دگر باره شما را در بوته آزمایش ریخت، مانند روزی که خدا پیامبر شما را برانگیخت. (۱۷)

ما در روزگاری به سر می‌بریم که بیشتر مردم آن بی‌وفایی را زیرکی می‌دانند، و نادانان آن مردم را گُرز و چاره اندیش خوانند. (۱۸)

این روزگاری است که ساز و ساخت شیطان قوی‌تر گردیده و فریب و بدسگالی او فراگیرتر گشته، و شکار وی در دسترسش قرار گرفته. (۱۹)

تحلیل وضعیت موجود در کلام امام علی علیه السلام

ایشان در خطبه پنجاه، دو علت اساسی در

بروز فتنه‌ها و تأثیرات سوء آنها معرفی می‌کنند:

یکی پیروی خواهشهای نفسانی و دیگری نوآوری در حکمهای آسمانی.

امام علی علیه السلام در تحلیل اینکه چرا مردم اینگونه تغییر کرده‌اند علل مختلفی را ذکر کرده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به خطبه صد و سیزدهم اشاره کرد که در آن آمده است:

یاد مرگ از دل‌های شما رفته است و آرزوهای فریبنده جای آن را گرفته. دنیا بیش از آخرت مالکتان گردیده و این جهان، آن جهان را از یادتان برده. همانا شما برادران دینی یکدیگرید؛ چیزی شما را از هم جدا نکرده، جز درون بلید و نهاد بد که با آن به سر می‌برید. نه هم را یاری می‌کنید، نه خیرخواه هستید، نه به یکدیگر چیزی می‌بخشید و نه با هم دوستی می‌ورزید.

در خطبه صد و بیست و هفتم می‌خوانیم: زنده شدن قرآن فراهم آمدن بر داوری آن است، و میراندن آن جداگردیدن و نپذیرفتن احکام آن.

امام علی علیه السلام در خطبه صد و سوم هشدار می‌دهند که:

ای مردم! به زودی بر شما روزگاری خواهد آمد که اسلام را از حقیقت آن بیردازند، همچون ظرفی که واژگونش کنند و آن را از آنچه درون دارد تهی سازند.

در خطبه صد و چهل و هفتم نیز تأکید می‌کنند که:

و زودا که پس از من بر شما روزگاری آید، که چیزی از حق پنهان‌تر نباشد، و از باطل آشکارتر. این همه برای آن است که: به دریا‌های فتنه در شدند و بدعتها را گرفتند و سنتها را وانهادند. مؤمنان به گوشه‌ای رفتند و گمراهان دروغ‌زن به زبان آمدند و سخن گفتند. (۲۰)

توجه امام علی علیه السلام برای اقدامات قرآن و سنت از نگاه امام علی علیه السلام خود

رواج بدعتها، جعل سنتها و پایمال شدن اصول قرآنی سه علت عمده‌ای هستند که امام علی علیه السلام برای مقابله با آنها طعن‌ها را به جان خریدند و به سه جنگ جمل، صفین و نهروان تن دادند.

در خطبه صد و نود و دوم می‌خوانیم: هان! بدانید که شما رشته - پیوند با- اسلام را گسستید، و حدود آن را شکستید، و احکام آن را به کار نبردید، بدانید که خدا مرا فرموده است، با

فرجام اصرار بر رویگردانی از قرآن و سنت از نگاه امام علی علیه السلام خود

امام علی علیه السلام حیات و ممات جامعه را در حضور و یا عدم حضور قرآن در آن می‌داند و مکانیسم فراگیر و عمومی امر به معروف و نهی از منکر از نظر ایشان استقرار و احترام اصول قرآن در جامعه را تضمین نموده و فرهنگ قرآنی را ایجاد و تداوم می‌بخشد. دوری از دین چون و چرای ضروری زمینه‌های استفاده ابزاری از دین یعنی تهی شدن دین از محتوایش را فراهم می‌کند.

تجاوزکاران و پیمان گسلان و تبهکاران در زمین پیکار کنم. اما با پیمان گسلان جنگیدم و با از حق بیرون شدگان ستیزیدم، و از دین بیرون شدگان را زبون ساختم.

جمع بندی

رشد اسلام در ممالک مختلف و ورود افکار متنوع، بستر مساعدی برای بروز افکار متضاد فراهم می آورد. در چنین فضایی فرهنگ جاهلی با بهره برداری از انحرافات به وجود آمده، رویش مجدد آغاز کرد و پر و بالی دوباره یافت. با قتل عثمان گسست میان مردم و حکومت افزون گشت و حق شورش و عصیان علیه حاکم صورت عینی به خود گرفت. امام علی علیه السلام در حالی که هم اسلام (قرآن و سنت) و هم خودش در غربت به سر می بردند زمام امور را اجباراً به دست گرفت. نتیجه آن شد که قرآن ناطق با جاهلانی سخن می گفت که نه گوینده را می شناختند و نه سخن او را در می یافتند تا آنجا که وی از سرزنش ایشان ملول و خسته شد و آرزوی هجرت به دیار ابدی نمود. امام علی علیه السلام با همه مخالفانی که می توانستند وجود داشته باشند مقابله کرد. از نظر حصر عقلی سه گروه مخالف می توانست وجود داشته باشد: پیمان شکنان، افراط گرایان، طمع کاران به قدرت. این سه گروه نهایتاً امام را وادار به سه جنگ کردند: جنگ جمل که پیکار با ناکثین بود. منفعت طلبان و جاه طلبان که سابقه ای

درخشان در خدمت به اسلام داشتند. دسته دوم قاسطین بودند، همان گردنکشان و مخالفان با فرهنگ قرآنی که طرفدار فرهنگ جاهلی بودند. جنگ صفین با آنها بود و امام علیه السلام در تهیج سپاه خود علیه آنها مسی فرمود: به سوی بقایای احزاب بروید. (اشاره به کفار در جنگ خندق) دسته سوم همان مارقین و از حدود دین خارج شدگان بودند. کسانی که از درک و تحلیل صحیح وقایع به علت مغرور شدن به عبادت خود (جهل و تعصب) درمانده شده بودند و لذا طغیان آغاز کردند.

امام در مجموع با طرد قصاصون، پذیرش سه جنگ با سه گروه اصلی از مخالفان قرآن و سنت، و ارائه نمونه عملی از پیروی دستورات قرآن سعی در تقویت دستاوردهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصلاح انحرافات به وجود آمده نمودند.

پانویس ها:

- ۱- رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام (ج اول)، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۷۶.
- ۲- عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ج، اول، ترجمه: محمد پروین گنابادی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم ۱۳۶۶، صص ۲۸۷ الی ۲۸۹.
- ۳- همان، صص ۲۸۴ الی ۲۸۶.
- ۴- قرآن کریم، نساء، ۱۶۵.
- ۵- قرآن کریم، حدید، آیه ۲۵.

۶- دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی، زمزم عشق (شرح مفاهیم عرفانی در نیاپهشی شهید چمران)، مرکز نشر فرهنگی آیه، چاپ اول ۱۳۷۹، ص ۱۹۶.

۷- همان، ص ۱۷۱.

۸- دکتر مصطفی چمران، علی، زیباترین سروده هستی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۹۷.

۹- قرآن کریم، اعراف، ۱۵۸.

۱۰- قرآن کریم، سجده، ۱۳.

۱۱- علامه سید محمد طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ترجمه: حجة الاسلام و المسلمین سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲، ص ۴۹۴.

۱۲- آیه الله جوادی آملی، ولایت فقیه (ولایت، فقاقت و عدالت)، مرکز نشر اسراء، چاپ اول ۱۳۷۹، صص ۱۱۸-۱۱۷.

۱۳- سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن (قسمت اول جزء سی ام) شرکت سهامی انتشار، ج دوم ۱۳۵۶، ص ۱۳۲.

۱۴- ترجمه کلیه خطبه های نهج البلاغه که در متن آورده شده اند، از ترجمه نهج البلاغه دکتر سید جعفر شهیدی می باشد.

۱۵- آیه الله شیخ جعفر سبحانی، فروغ ولایت (تاریخ تحلیلی زندگانی امیرمؤمنان علی علیه السلام)، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم، ج چهارم، ۱۳۷۹، ص ۲۸۵.

۱۶- رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، انتشارات انصاریان، ج اول ۱۳۷۶، صص ۵۵-۵۴.

۱۷- خطبه شانزدهم.

۱۸- خطبه چهل و یکم.

۱۹- خطبه صد و بیست و نه.

۲۰- خطبه صد و پنجاه و چهارم.

عبدالعزیز
عصر
تسبیح
دکتر محمد اسمعیلی

نهی البلاغه
۱۰

شماره ۷